



تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

فصلنامه علمی پژوهشی آفاق حکمت

سال دوم، شماره سوم، زمستان ۱۴۰۴، ص ۵۱ تا ۶۰



بررسی تطبیقی جایگاه مسئله اصالة الوجود در روش تبویب مسائل فلسفه اسلامی

محمد عیدی  طلبه درس خارج حوزه علمیه قم

sharf@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

در این مقاله به بررسی جایگاه مسئله اصالة الوجود در تبویب مسائل فلسفه اسلامی پرداخته می‌شود. بحث از جایگاه و مرتبه یک مسئله علمی در آن علم از جهت تبویب مسائل آن علم، از زمان‌های گذشته مورد اعتنای علمای هر علمی بوده است. اگرچه برای تمام مسائل هر علم بحث مستقل این‌چنینی صورت نگرفته باشد اما علمای علوم مختلف در تبویب و چینش مسائل به جایگاه مسئله توجه می‌کردند. این امر در علم فلسفه نیز مورد توجه قرار گرفته است و شاید اهمیت آن در علم فلسفه از علوم دیگر بیشتر باشد و همان‌گونه که بحث از جایگاه یک مسئله در علم فلسفه از بحث از جایگاه یک مسئله در علوم دیگر مهم‌تر است، بحث از جایگاه مسئله اصالت وجود اگر مهم‌تر از بحث از جایگاه مسائل دیگر فلسفی نباشد، یکی از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد. با توجه به جست‌وجوی انجام‌شده در برخی منابع معتبر، ظاهراً تاکنون چنین عنوانی در قالب مقاله یا پایان‌نامه‌ای رسمی مورد بحث قرار نگرفته است. سؤالی که در این مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت این است که جایگاه مسئله اصالة الوجود در تبویب مسائل فلسفه اسلامی از منظر متفکر شهید آیت‌الله مطهری (ره) چیست؟ ایشان در یکی از بیانات خود تمام مقدماتی که برای مسئله اصالت وجود بیان می‌شود را نفی کرده و آن را در حقیقت اولین مسئله فلسفی می‌دانند.

کلیدواژه: اصالت وجود، فلسفه اسلامی، مقدمات اصالت وجود، جایگاه اصالت وجود،

تبویب مسائل فلسفی، شهید مطهری.

مقدمه

بدون تردید تاکنون برای رشد فلسفه اسلامی تلاش‌های بسیاری از سوی علما و محققین شده است و کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده است؛ به‌ویژه در مورد مسئله اساسی و مهم اصالت وجود. اما یکی از مسائلی که در تحقیق‌ها و مقالات کمتر به آن پرداخته شده است، مبحث جایگاه و مرتبه‌ای است که مسئله اصالت وجود در بین مسائل فلسفی از زاویه تبویب دارد؛ یعنی در نظام تبویب مسائل فلسفی، مسئله اصالت وجود در چه مرتبه‌ای قرار می‌گیرد؟ به تعبیر دیگر آیا طرح مسئله اصالت وجود در فلسفه اسلامی متوقف بر این است تا مسائلی قبل از آن مطرح شود و یا طرح مسئله اصالت وجود توقف بر هیچ مسئله‌ای ندارد و می‌تواند اولین مسئله فلسفی باشد؟ از همین رو در این مقاله به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که جایگاه مسئله اصالت وجود در تبویب مسائل فلسفه اسلامی چیست؟

درباره اهمیت و ضرورت مسئله باید گفت از آنجا که تقدم و تأخر مسائل فلسفی برهانی بوده و چینش و تبویب آن‌ها بر اساس سازمان فلسفی فیلسوف صورت می‌گیرد، لذا بحث از جایگاه یک مسئله اساسی همانند اصالت وجود می‌تواند محقق را به چینش و سازمان صحیح مسائل فلسفی برساند و از طرف دیگر از اشتباه در این امر جلوگیری کند.

پرسش‌هایی که در این تحقیق به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد، عبارت‌اند از: چیستی برخی نظریات و دیدگاه‌ها پیرامون جایگاه مسئله اصالت وجود در تبویب مسائل فلسفی و بیان دیدگاه متفکر شهید آیت‌الله مطهری (ره).

این مسئله از مسائلی است که تاکنون مورد بحث قرار نگرفته است و یا اگر هم به آن پرداخته شده باشد، بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است و لذا شاید تا قبل از تحقیق حاضر، تحقیقی که به‌طور مستقیم به جایگاه مسئله‌ای فلسفی در تبویب فلسفه اسلامی بپردازد، انجام نشده باشد.

در پایان تحقیق روشن خواهد شد که از دیدگاه مرحوم شهید مطهری (ره) طرح مسئله اصالت وجود در فلسفه هیچ مقدمه‌ای نخواهد داشت و اولین مسئله فلسفی می‌باشد.

اهداف علمی تحقیق حاضر عبارت‌اند از: شناخت برخی دیدگاه‌ها و نظریات پیرامون جایگاه مسئله اصالت وجود در تبویب مسائل فلسفه اسلامی به‌ویژه دیدگاه مرحوم آیت‌الله شهید مطهری (ره).

از آنجا که تحقیق حاضر تحقیقی فلسفی است، روش بحث در آن روش برهانی و عقلانی و فلسفی می‌باشد و ساختار آن به این صورت است که ابتدا به بیان سه مطلب مقدماتی پرداخته می‌شود؛ در مطلب اول به توضیح مراد از جایگاه مسئله، در مطلب دوم به توضیح برهانی بودن و ذوقی و سلیقه‌ای نبودن تبویب و ترتیب مسائل فلسفی و جایگاه یک مسئله در نظام فلسفی و در مطلب سوم به بیان فایده و ثمره مشخص شدن جایگاه یک مسئله در علم فلسفه، پرداخته می‌شود و سپس برخی اقوال مخالف با دیدگاه شهید مطهری (ره) و پس از آن نظریه خود ایشان

تبیین می‌گردد.

منظور از چپستی جایگاه یک مسئله علمی در تحقیق حاضر این است که این مسئله در کدام قسمت از علم جای می‌گیرد. آیا از مسائلی است که باید در ابتدای علم مورد بحث قرار بگیرد یا از مسائلی است که برای طرح شدن در علم، نیازمند این است که مسائلی قبل از آن مطرح گردند؟

بر اساس مقصودی که تحقیق حاضر دارد، می‌توان مراد از جایگاه را بدین صورت بیان کرد که: آیا مسئله اصالت وجود از مسائلی است که طرح آن متوقف و مبتنی بر مسائلی دیگر است و یا طرح آن مبتنی بر هیچ مسئله دیگری نیست بلکه طرح شدن مسائل دیگر مبتنی بر طرح مسئله اصالت وجود می‌باشند؟

مطلب دیگر بررسی مسئله برهانی بودن تبویب مسائل فلسفی است. در کلمات بزرگان شاید با این تعبیری که بیان شده است، سخنی وجود نداشته باشد. یعنی شاید هیچ‌یک از فلاسفه سخن از «برهانی بودن تبویب مسائل فلسفی»، با همین تعبیر سخن نگفته باشد ولیکن عباراتی از ایشان وجود دارد که می‌توان این عبارات را تعبیر دیگری از همین سخن دانست که در ادامه به دو نمونه از این سخنان به‌عنوان شاهد اشاره می‌شود.

مرحوم آیت‌الله شهید مطهری (ره) در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم می‌فرمایند: «تحقیقات صدرالمتألهین بیشتر در فلسفه اولی و حکمت الهی است. ملاصدرا آنچه در این زمینه از قدمای یونان و بالخصوص افلاطون و ارسطو رسیده بود و آنچه حکمای بزرگ اسلامی از قبیل فارابی و بوعلی و شیخ اشراق و غیرهم توضیح داده بودند یا از خود افزوده بودند و آنچه عرفای بزرگ با هدایت ذوق و قوت عرفان یافته بودند به‌خوبی هضم کرد و از نو اساس جدیدی را پی‌ریزی کرد و آن را بر اصول و قواعدی محکم و خلل‌ناپذیر استوار کرد و از جنبه استدلال و برهان، مسائل فلسفه را به‌صورت قواعد ریاضی درآورد که هر یک از دیگری استخراج و استنباط می‌شود و به این وسیله فلسفه را از پراکندگی طرق استدلال بیرون آورد.» (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۲)

همان‌طور که از این بیان ایشان مشخص است، مرحوم ملاصدرا (ره) نظم و ترتیب مسائل فلسفی را به‌صورت برهانی و به‌صورت قواعد ریاضی درآورده است که هر مسئله‌ای متوقف بر مسئله ماقبل خود است و مسئله بعدی در واقع مستخرج از مسئله قبل است.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی (حفظه الله) در کتاب شمس‌الوحي تبریزی، صفحه ۱۸۱ تا ۱۸۴ در رابطه با سبک تدوین و تدریس علامه طباطبائی (ره) نکات ارزنده‌ای را بیان می‌کنند که برای استشهاد به ذکر بخشی از این نکات پرداخته می‌شود. ایشان می‌فرمایند: علامه بزرگوار (ره) در تدوین و تألیف مسائل فلسفی و تدریس آن‌ها، مسائل را با سبک ریاضی تنظیم می‌کردند و سعی داشتند که هر مسئله‌ای را در جای خودش قرار بدهند و مسئله‌ای که مقدم است را مؤخر و مسئله‌ای که مؤخر است را مقدم بیان نکنند. ایشان در صفحه ۱۸۱ از کتاب شریف شمس‌الوحي تبریزی می‌فرمایند: «سبک حضرت استاد این بود که مسائل عقلی را همانند مسائل ریاضی تنظیم می‌کرد و سعی

بر آن داشت که مباحث الهی را بر روند مباحث ریاضی تدوین کند تا هر مسئله در جای مناسب خود قرار گیرد، به طوری که هم مکمل بحث‌های گذشته باشد و هم زمینه‌ساز مطالب آینده.» (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۸۱).

همچنین ایشان در صفحه ۱۸۳ از همین کتاب شریف، دو نمونه از توجه علامه طباطبایی (ره) به اینکه یک مسئله فلسفی در کدام قسمت از این علم قرار می‌گیرد، اشاره می‌کنند که تعبیر ایشان از این قرار است: «برای نمونه می‌توان مسئله جعل را (که آیا ماهیت مجعول است یا وجود، یا پیوند ماهیت به وجود) نام برد که در اسفار صدرالمتألهین (قدس سره) و شرح منظومه سبزواری برای آن مبحثی مستقل و بابی جداگانه قرار داده‌اند؛ ولی استاد علامه آن را جزو فروع مسئله علت و معلول می‌داند؛ یعنی پس از تثبیت قانون علت، بحث می‌شود که علت به معلول چه می‌دهد و در حقیقت، معلول چیست؟ آیا ماهیت است یا وجود یا چیز دیگر؟ و این طرح، چنان‌که در الشواهد الربوبیه ملاصدرا مشهود است، در بדיایة الحکمة و نهایة الحکمة به خوبی نمایان است.

همچنین حضرت استاد جریان اتحاد عالم و معلوم در نحوه علم ممکن به واجب و نقد و بررسی آن را که صدرالمتألهین آن را در مبحثی با عنوان «علم به معلول جز از راه علم به علت میسر نیست» مطرح کرده و به تصریح حکیم سبزواری (قدس سره) با بیانی پیچیده و نارسا از آن گذشته، در باب «اتحاد عالم و معلوم» و با استمداد از حمل حقیقت و رقیقت حل کرده است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۸۳)

مطلب دیگر ثمره بحث از جایگاه یک مسئله فلسفی است. پرداختن به این مطلب باعث می‌شود هر مطلب علمی در جای خودش قرار بگیرد و پیوند مسائل با یکدیگر استحکام داشته باشد و سیر علمی به صورت منطقی و آسان‌تر طی شود و ثانیاً علم فلسفه عهده‌دار شناخت هستی و واقعیت است و ارتباط سلسله هستی و واقعیات خارجی همانند ارتباط اعداد است که به عنوان مثال نمی‌توان عدد ۵ را بر عدد ۴ مقدم کرد و اگر فرض شود که ۵ بر ۴ مقدم شده است، آنچه مقدم شده است در واقع ۵ نیست و عددی قبل از ۴ است. حضرت آیت‌الله جوادی آملی در کتاب شمس‌الوحي تبریزی، صفحه ۱۸۱ در این باره می‌فرمایند:

«این روش، گذشته از آنکه پیوند مباحث علمی را محکم می‌کند، مطابق با جهان هستی است که فلسفه درباره آن بحث می‌کند، زیرا حلقه‌های سلسله هستی به تعبیر صدرالمتألهین (قدس سره) در تفسیر گران قدرش، همانند رشته اعداد است که هر واحدی در جای خود قرار دارد و تأخیر متقدم و تقدیم متأخر را در این رشته منظم مجال نیست، چون هر موجودی به اندازه خاص و هندسه مخصوص آفریده شده است: (إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ).

بنابراین چون فلسفه، جهان‌بینی است، باید مباحث آن همانند جهان، با نظم ریاضی و نظم هندسی تدوین شود، زیرا طرح یک مسئله پیش از آنکه نوبتش فرا رسد، همانند چیدن میوه، پیش از رسیدن آن است: «مُجْتَنَى الثَّمَرَةِ لِغَيْرِ وَقْتٍ إِنِاعِهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۵) که همراه با دشواری ادراک درست بوده و در نتیجه، موجب سختی تصدیق و استدلال خواهد بود.» (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۱۸۱)

۱. نظریات پیرامون جایگاه مسئله اصالت وجود

دیدگاه‌های مورد بحث در تحقیق حاضر پیرامون این مسئله را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم نمود؛ دسته اول دیدگاه‌هایی که قائل به مقدمه داشتن اصالت وجود هستند یعنی معتقدند برای طرح مسئله اصالت وجود در میان مسائل فلسفی لازم است مسائل دیگری قبل از آن مطرح شوند تا نوبت به مسئله اصالت وجود برسد و دسته دوم دیدگاهی که اصالت وجود را نیازمند به مقدمه نمی‌دانند بلکه آن را اولین مسئله فلسفی می‌دانند یعنی برای طرح این مسئله، لزومی به طرح مسئله دیگری قبل از آن نمی‌باشد.

برخی از بزرگانی که معتقد هستند اصالت وجود مقدمه دارد، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: دیدگاه اول که نظریه مشهور است این است که وقوع نزاع اصالة الوجود متوقف بر سه مقدمه و سه مسئله است که بر اساس این نظریه مسئله اصالة الوجود، چهارمین مسئله فلسفی می‌باشد.

دیدگاه دوم که نظریه مرحوم ملاهادی سبزواری (ره) می‌باشد این است که مسئله اصالت وجود علاوه بر مقدماتی که مشهور برای اصالت وجود قائل هستند، مقدمه دیگری نیز نیاز دارد و آن قاعده «کل ممکن زوج ترکیبی له ماهیة وجود» می‌باشد که بنابر این نظر مسئله اصالة الوجود مسئله پنجم می‌باشد.

بنابراین در مجموع در تحقیق حاضر سه دیدگاه مطرح می‌گردد که دو دیدگاه مربوط به بزرگانی است که قائل هستند اصالت وجود مقدمه دارد و یک دیدگاه مربوط به کسانی است که اصالت وجود را متوقف بر هیچ مسئله‌ای نمی‌دانند و معتقدند اصالت وجود اولین مسئله فلسفی می‌باشد.

۱-۱. بررسی دیدگاه مشهور

بیان شد که بنابر دیدگاه مشهور، طرح شدن مسئله اصالت وجود متوقف بر طرح شدن سه مقدمه و سه مسئله فلسفی دیگر می‌باشد و به تعبیری مسئله اصالة الوجود چهارمین مسئله فلسفی قرار می‌گیرد. مرحوم علامه (ره) در ابتدای مقاله هفتم از اصول فلسفه و مرحوم شهید مطهری (ره) در توضیح عبارت علامه طباطبایی (ره) که در رابطه با واقعیت و هستی اشیاء می‌باشد، این سیر را بیان فرموده و مقدمات سه‌گانه را توضیح داده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «انسان بعد از اینکه اصل «واقعیتی هست» را قبول کرد به تکثیر واقعیت می‌پردازد و تصدیق می‌کند به اینکه: «انسان هست»، «درخت هست»، «سنگ هست» و ... و به تعبیری هلیات بسیطه مختلف درست می‌نماید؛ سپس ادراک می‌نماید که از هر کدام از این واقعیت‌ها، دو مفهوم انتزاع می‌شود: یکی هستی و دیگری چیستی آن شیء که همه این واقعیات در مفهوم هستی مشترک می‌باشند اما در مفهوم چیستی مغایر هم هستند یعنی هستی در همه آن‌ها به یک معناست اما چیستی هر کدام با دیگری متفاوت است.» (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۳: ۳۱)

بعد از طی این مراحل و گذر از سه مسئله‌ای که بیان شد، این پرسش را می‌توان طرح کرد که از دو مفهومی که از هر واقعیت انتزاع می‌شود، کدام اصیل و عینی و کدام اعتباری می‌باشد؟ یعنی وقتی انسان واقعیت را ادراک نمود و دو مفهوم را نیز انتزاع نمود با سؤال مذکور مواجه می‌شود لذا برای اینکه نزاع اصالة الوجود و یا اصالة الماهية واقع شود و این پرسش به ذهن بیاید، لازم است تا مراحل فوق طی شود و مسائلی که بیان شد مطرح گردد. بنابراین از جهت تبویب و ترتیب مسائل فلسفی، بر اساس این دیدگاه، مسئله اصالت وجود چهارمین مسئله فلسفی می‌باشد.

بیان مرحوم علامه طباطبایی (ره) و شهید مطهری (ره) گویای این است که چهار مطلب قبل از طرح نزاع اصالت وجود مطرح است: یکی قبول اصل واقعیت، دوم تکثیر واقعیت، سوم زیادت وجود بر ماهیت و چهارم اشتراک معنوی مفهوم وجود. با توجه به این مطلب، ممکن است سؤالی ایجاد شود و آن اینکه چرا توقف سه مسئله بر مسئله اصالت وجود به مشهور نسبت داده می‌شود؟

پاسخ این است که مراد از مقدمه بودن مطلبی برای اصالت وجود این است که مسئله‌ای از مسائل فلسفی بر مسئله اصالت وجود مقدم باشد یعنی در واقع بحث در این است که آیا اصالت وجود اولین مسئله فلسفی است و یا قبل از آن مسائل فلسفی دیگری نیز مطرح است؟ از طرف دیگر اصل «واقعیتی هست» موضوع فلسفه است و داخل در مبادی علم فلسفه می‌باشد لذا نمی‌توان آن را مسئله فلسفی مقدم بر مسئله اصالت وجود دانست. بله، اگرچه می‌توان گفت این اصل مقدم بر طرح هر مسئله‌ای از مسائل وجود است حتی مسئله تکثیر واقعیت، لکن محل بحث ما در مقدمات اصالت وجود، بیان مسائلی است که مقدم بر مسئله اصالت وجود هستند نه هر مطلبی که جایگاه آن قبل از اصالت وجود باشد.

۲-۱. بررسی دیدگاه حاج ملاهادی سبزواری (ره)

همان‌گونه که بیان شد ایشان به مسائلی که مشهور بر مسئله اصالت وجود مقدم می‌کنند، مسئله دیگری اضافه کرده‌اند و معتقدند طرح شدن نزاع اصالت وجود متوقف بر چهار مسئله است. مسئله‌ای که اضافه نموده‌اند، قاعده «کل ممکن زوج ترکیبی له ماهیه و وجود» می‌باشد که ناظر به تقسیم موجود به واجب و ممکن و بساطت واجب و ترکیب ممکن است و با بیان این قاعده درصدد خارج کردن واجب الوجود از محل نزاع و انحصار بحث در ممکنات هستند. به تعبیر دیگر، از آنجا که ایشان نزاع اصالت وجود را منحصر در ممکنات می‌دانند و معتقدند واجب الوجود خارج از محل بحث است، مسئله مذکور را مقدم بر مسئله اصالت وجود قرار داده‌اند. لذا به عقیده ایشان تا این مسئله طرح نشود، نزاع اصالت وجود نیز طرح نخواهد شد زیرا ابتدا باید واجب الوجود از محل بحث خارج شود و سپس نزاع اصالت وجود شکل بگیرد.

برای دفاع از اینکه قاعده مذکور بر مسئله اصالت وجود تقدم دارد و نزاع مختص به ممکنات است، می‌توان چند مؤید ذکر کرد:

یکی مقدمه اول مشهور یعنی تکثیر واقعیت که با آن هلیات بسیطه مختلف درست می‌شود که در هریک از آن‌ها، یک مفهوم وجود تصور می‌شود و یک مفهوم ماهیت که نزاع میان اصالت یکی از آن دو و اعتباری بودن دیگری می‌باشد. همین مقدمه که پایه ایجاد نزاع حاضر است نشان می‌دهد که در این نزاع دوران میان وجود و ماهیت بالعنی الاخص است و ماهیت بالعنی الاخص نیز تنها در ممکنات وجود دارد و واجب از این نوع ماهیت مبرا است. مؤید دوم، مقدمه دوم مشهور یعنی زیادت مفهومی وجود و ماهیت است. مؤید بودن مسئله زیادت برای تقدم قاعده «کل ممکن...» بر مسئله اصالت وجود به این بیان است که مفاد قاعده «کل ممکن...» حاکی از این است که از هر واقعیت دو مفهوم انتزاع می‌گردد یعنی اگر هر ممکنی مرکب از وجود و ماهیت نباشد، محال است ذهن دو مفهوم از یک واقعیت انتزاع نماید. لذا همین که مشهور زیادت را مقدمه دانسته‌اند کاشف از این است که قاعده «کل ممکن» مرتکز آن‌ها بوده است زیرا زیادت مفهومی وجود بر ماهیت متوقف بر مفاد قاعده مذکور است.

مؤید سوم، ادله اصالة الوجود است که در غالب آن‌ها سخن از ماهیت بالعنی الاخص و یا ماهیت من حیث‌هی می‌باشد که این نوع ماهیت مربوط به ممکنات است لذا نزاع بر سر وجود و ماهیت بالعنی الاخص است که مختص به ممکنات می‌باشد و واجب داخل در محل نزاع نیست.

مؤید چهارم، مسئله جعل می‌باشد و مؤید بودن آن به این بیان است که برخی نسبت به واجب الوجود قائل به این هستند که وجود اصالت دارد اما در ممکنات ماهیت است که اصیل است به این صورت که واجب الوجود خود ماهیات را جعل و خلق نموده است نه اینکه وجود آن‌ها را جعل نموده باشد و بدین ترتیب ایشان فرقی میان مسئله جعل و مسئله اصالت قائل نمی‌شوند و معتقدند یک مسئله است اما از دو زاویه مورد بحث قرار می‌گیرد. بر همین اساس که این دو بحث در واقع یک مسئله هستند و از سوی دیگر در مسئله جعل بحث پیرامون این است که مجعول چیست، می‌توان گفت جاعل از محل نزاع بیرون است. به تعبیر دیگر در مسئله جعل، سؤالی که به آن پرداخته می‌شود این است که جاعل چه چیزی را جعل کرده است و واضح است که پاسخ این سؤال ارتباطی به این ندارد که وجود واجب الوجود اصیل است و یا ماهیت آن اصیل است. لذا می‌توان گفت در مسئله اصالت نیز که همان مسئله جعل از زاویه‌ای دیگر است، واجب الوجود از محل نزاع بیرون است و نزاع مختص به ممکنات است.

در مقام نقد این نظریه گفته می‌شود که با وجود اینکه محل نزاع در مسئله اصالت وجود این است که وجود اصیل است و یا ماهیت بالعنی الاخص، اما با این حال واجب الوجود داخل در نزاع اصالت وجود قرار دارد به این بیان که در نزاع اصالت وجود، مسئله این است که آنچه اصیل است وجود است و یا ماهیت بالعنی الاخص و نظری به ماهیت بالعنی الاخص داشتن و یا ماهیت بالعنی الاخص نداشتن واجب الوجود ندارد. بحث از اینکه واجب الوجود

ماهیت بالعنی الاخص دارد یا ندارد، بحث و نزاعی دیگر است که در جای خودش مطرح می‌گردد. مؤید بیان فوق این است که حکما مبحث چیستی ماهیت واجب‌الوجود را بعد از مبحث اصالت وجود و چند فصل بعد از آن مطرح می‌کنند و بیان می‌کنند که واجب‌الوجود ماهیت بالعنی الاخص ندارد بلکه ماهیت بالمعنی الاعم دارد همانند مرحوم علامه طباطبایی (ره) در *بداية الحکمة* که این بحث را تحت عنوان «واجب‌الوجود ماهیته اینته»، مطرح می‌کنند. اگر در نظر حکما واجب‌الوجود از محل نزاع مسئله اصالت وجود بیرون بود و ماهیت بالعنی الاخص نداشتن واجب‌الوجود مفروض گرفته شده بود، بحث ماهیت نداشتن واجب‌الوجود بعد از نزاع اصالت وجود مورد بحث قرار نمی‌گرفت.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی (حفظه الله) در *رحیق مختوم* دو شاهد و مؤید بر اینکه نزاع مختص به ممکنات نیست و واجب‌الوجود نیز داخل در محل بحث می‌باشد، بیان می‌کنند:

شاهد اولی که بیان می‌کنند سخن محقق دوانی است که قائل به *اصالة الوجود* در واجب و *اصالة الماهية* در ممکنات است. استشهاد به این سخن به این صورت است که اگر نزاع منحصر در ممکن بود، اسمی از واجب آورده نمی‌شد و از همان اول تکلیف آن را تعیین نمی‌کرد؛ لذا نزاع دو قسمتی است یعنی هم درباره واجب بحث کرده‌اند و اصالت در آن را معلوم کرده‌اند و هم در ممکنات بحث نموده و اصیل را در آن مشخص کرده‌اند.

شاهد دومی که بیان فرموده‌اند قول حکما در مورد شبهه ابن کمونه نسبت به توحید واجب تعالی است. استشهاد ایشان به این صورت است که حکما در مورد شبهه ابن کمونه گفته‌اند: «این شبهه بنابر اصالت ماهیت شبهه‌ای قوی است زیرا در این صورت احتمال تحقق دو ماهیت *مجهولة الکنه بسیط* جایز است ولیکن بنابر *اصالة الوجود*، محالی برای این احتمال نیست.» این بیان گویای این است که حکما واجب را از محل نزاع بیرون نمی‌دانند. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۲۵)

۳-۱. بیان نظریه مرحوم شهید مطهری (ره)

از میان بزرگان، مرحوم شهید مطهری (ره) و حضرت آیت‌الله جوادی آملی (حفظه الله) به مقدمه نداشتن *اصالة الوجود* و اولین مسئله بودن آن تصریح دارند. مرحوم شهید مطهری (ره) معتقدند می‌توان برای رسیدن به نزاع اصالت وجود و یا اصالت ماهیت راه را نزدیک‌تر کرده و از مقدماتی که حکما مطرح کرده‌اند صرف‌نظر کرد به این بیان که بعد از قبول اصل واقعیت، این سؤال برای فیلسوف مطرح می‌گردد که واقعیتی که پذیرفته شده است، چیزی است که وجود دارد و یا خودش عین وجود است؟ (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۳: ۵۳-۵۴). همچنین حضرت آیت‌الله جوادی آملی در ابتدای بحث از *اصالة الوجود* بیان می‌کنند که این مسئله اولین مسئله فلسفی می‌باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۹۵)

نسبت به بیان مرحوم شهید مطهری (ره) ممکن است اشکالی به ذهن برسد و آن اینکه دورانی که ایشان در طرح نزاع درست کرده‌اند، دوران بین وجود و ماهیت است لذا قبل از طرح این دوران و استفاده از آن، لازم است وجود و ماهیت تصور شود و سپس نزاع به این شکل مطرح گردد! بنابراین نمی‌توان اصالت وجود را بدون هیچ مقدمه‌ای دانست زیرا حداقل لازم است تا وجود و ماهیت و دوئیت و زیادت آن‌ها بر یکدیگر تصور شود و سپس نزاع اصالت وجود و یا اصالت ماهیت شکل بگیرد!

در پاسخ شاید بتوان از کلام آیت‌الله جوادی آملی (ره) استفاده کرد. ایشان در رَحِیقِ مختوم در اشاره دهم از اشارات بحث اصالت وجود می‌فرمایند: «آنچه حکیم سبزواری و علامه در نه‌ایة به‌عنوان مقدمه بیان کرده‌اند، در واقع تنها ناظر به چگونگی انتقال ذهنی بشر به مسئله اصالة الوجود و یا ماهیت است. یعنی وقوع اصل نزاع نیازمند مقدمه نیست بلکه انتقال ذهن بشر و آمادگی ذهن برای طرح نزاع، نیازمند به مقدمه است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۲۴-۳۲۵) یعنی نسبت به نزاع اصالت وجود و یا اصالت ماهیت، دو وادی و دو محور وجود دارد؛ یکی وادی انتقال ذهن بشر به محل نزاع و دیگری وقوع اصل نزاع که در وادی وقوع اصل نزاع، به مقدمات مطروحه احتیاجی نیست.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که مسئله اصالت وجود از جهت تبویب مسائل فلسفه اسلامی، اولین مسئله فلسفی می‌باشد و احتیاج به طرح هیچ مسئله‌ای به‌عنوان مقدمه برای وقوع نزاع اصالت وجود و یا اصالت ماهیت، نمی‌باشد. تنها امری که برای ورود و وقوع به نزاع نیاز است، تصدیق به اصل واقعیت است و به محض تحقق این امر، این سؤال مطرح می‌شود که آیا واقعیت چیزی است که وجود دارد و یا واقعیت عین همان وجود است. لذا دیدگاه مشهور و مرحوم ملاهادی سبزواری کامل و نهایی به نظر نمی‌رسد و دقیق‌ترین و کامل‌ترین دیدگاه، دیدگاه مرحوم شهید مطهری (ره) است.

یکی از ثمرات و محصولات این پژوهش در تبویب مسائل فلسفه اسلامی نمایان می‌شود. با عنایت به دیدگاه شهید مطهری (ره) که دیدگاه کامل‌تر به نظر می‌رسد تبویب فلسفه اسلامی و در نتیجه فهم مسائل فلسفی به‌خصوص مسئله اصالت وجود عمیق‌تر و دقیق‌تر خواهد شد.

فهرست منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله، رحيق مختوم، جلد ۱، چاپ چهارم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۵
۲. جوادی آملی، عبدالله، شمس الوحی تبریزی، چاپ اول، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶
۳. سبزواری، ملاهادی، شرح المنظومة، چاپ اول، ذوی القربی، قم، ۱۴۳۰
۴. طباطبایی، محمد حسین، بدائة الحکمة، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، ۱۴۲۰ (۴)
۵. مصباح، محمد تقی، آموزش فلسفه، جلد ۱، چاپ سوم، موسسه انتشارات امیر کبیر (شرکت چاپ و نشر بین الملل)، تهران، ۱۳۷۸
۶. مصباح یزدی، محمد تقی، تعلیقه علی نهایة الحکمة، چاپ اول، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۳
۷. مصباح یزدی، محمد تقی، شرح نهایة الحکمة، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۴
۸. مطهری، مرتضی، شرح منظومه، چاپ هشتم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۳
۹. مطهری، مرتضی، شرح مبسوط منظومه، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۷
۱۰. مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۱، چاپ بیستم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۲
۱۱. مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد ۳، چاپ بیست و سوم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۳